



تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان

تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان

علی اصغر علیرضایی

چکیده

این پژوهش به دنبال تاثیرات مبنای شهید صدر در بحث تعریف وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان است این نوشتار در ساحت علم اصول فقه است و بر روی نظرات شهید صدر تمرکز کرده است منابعی که برای این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است کتب اصولی شهید صدر و آثار دیگر علما که از لحاظ موضوع با بحث ما تناسب داشته‌اند. نظر شهید صدر در تعریف وضع نسبت به دیگر نظرات در این باب جدید و متفاوت از دیگر نظرات است فایده مهمی که این مبنا دارد این است که ما می‌توانیم با این مبنا تحلیلی روشن‌تر و جواب بهتر به سوالات ابتدایی مباحث الفاظ در اصول بدهیم اما با کمی دقت می‌یابیم که این نظر تاثیر بسیار زیادی در سیر مباحث اصول ندارد هر چند بخشی از مباحث اصول واضح‌تر شده است. شایسته است در کنار مباحثی این‌چنینی به بررسی نظر دیگر علما و مقایسه آن با نظر شهید صدر پرداخت از جمله در بحث تعریف وضع و دلالت تصویری و تصدیقی و معنای مجازی و معنای حرفی چه اینکه قسمت دیگر مباحث شهید در آثار ایشان به نقد نظرات علمای دیگر بر مبنای خود ایشان می‌باشد. این نوشتار برای طلاب حوزه‌های علمیه و دانش‌آموختگان علم اصول مفید و قابل استفاده می‌باشد (بر فرض مفید بودن) و برای شناخت بیشتر با نظرات شهید صدر در مباحثی اصولی میتوان از آن استفاده کرد.

کلید واژگان: وضع، دلالت، استعمال، اشتراک، ترادف، حقیقت، مجاز





مقدمه

هدف اصلی فقیه در اصول فهم مراد شارع است مراد شارع را از ادله اربعه و یا هر دلیل دیگری که دلالت آن ثابت شده باشد بدست می آورند اعظم ادله ای که به ما رسیده در قالب لفظ به ما رسیده است که غالب آنها خود کلام شارع است و از آن به عنوان دلیل شرعی لفظی یاد میکنند با توجه به اینکه متکلم، حکیم و به ظرایف زبانی کاملاً آشناست و از زبان، حکیمانه استفاده می کند و فقیه هم در صدد کشف مفاهیمی فراتر از مفاهیم یقینی است (که عرف آن را از کلام میفهمد) و اهمیت مفاهیم فهم شده از کلام شارع بسیار مهم و دقیق است و امری ساده و زود گذر نیست و به زندگی.



دنیوی و اخروی و رابطه ی عبد و مولا مربوط می شود این ضرورت ایجاب می کند که فقیه با زبان و فرایند انتقال ذهن از لفظ به معنا بیشتر آشنا شود که مهمترین و اساسی ترین مسئله ای که در اینجا باید فقیه به آن پردازد وضع است که همان عامل انتقال ذهن از لفظ به معنا است پاسخ به این سوال که عامل انتقال ذهن از لفظ به معنا چیست اتخاذ یک مبنا است مبنا تاثیر بسیار زیادی بر روی دیگر نظریاتی دارد که بعد از آن و بر مبنای آن ارائه می شود این یکی از دلایل متفاوت بودن نظریات صاحب نظران در باب یک مسئله واحد است در این نوشتار سعی شده است که مبنای شهید صدر در باب وضع بیان و تاثیر آن بر دیگر نظرات اصولی ایشان بررسی شود.





تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان

دیگر سوالاتی که در این نوشتار به آن ها پاسخ گفته شده است عبارتند از:

الف. چگونه اقتران اکید بین لفظ و معنا در ذهن ایجاد میشود؟

ب. اعتبار و قرار داد مردم بر یک لفظ چه نقشی در تعریف شهید از وضع دارد؟

ج. دلالت تصویری چیست؟

د. آیا دلالت تابع اراده است؟

هـ. در فرایند وضع واضع کیست؟

و. استعمال چیست؟

ز. استعمال لفظ در معنای غیر ما وضع له در تعریف شهید چگونه توجیه می شود؟

ح. علامات حقیقت و مجاز چیست؟

ط. آیا ترادع و اشتراک امکان دارد؟

ی. کدام اقسام وضع امکان وقوعی دارند؟

ک. معنای حرفی در کدام قسم اقسام وضع قرار دارد؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

۱. بیان مبنای شهید صدر در باب وضع

سوالی که شهید صدر در بحث وضع و حقیقت وضع به آن پرداخته است این است که عامل و منشاء علاقه و رابطه ی بین لفظ و معنا و کیفیت بوجود آمدن این رابطه چیست؟ توضیح اینکه انتقال ذهن از لفظ به معنا ناشی می شود از رابطه و علقه ای که بین صورت ذهنی لفظ و معنا آن در ذهن ما است این رابطه بدیهی است و باید به این سوال پاسخ داد که عامل این رابطه چیست؟ ایشان بر این باورند که منشاء این انتقال





تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان

برمیگردد به قانون کلی ذهن انسان بدین نحو که هر گاه تصور و صورت ذهنی دو چیز در ذهن انسان به صورت مکرر در کنار یکدیگر قرار بگیرند بین آنها علقه ای رخ میدهد که تصور یکی سبب انتقال ذهن به تصور دیگری می شود البته گاهی اوقات مقارنت دو تصور در ذهن بدون تکرار منجر به رابطه ی شدیدی می شود که با تصور یکی ذهن به دیگری منتقل می شود و این ناشی از مقارنت این دو تصور در ظرف موثر است مثلاً شخصی یک بار در طول عمر خود به انگلیس سفر کرده است و در آن سفر کوتاه خود در سه نوبت تمام اموال او به سرقت برده می شود و این شخص هر گاه تصور این کشور در ذهن او حاضر می شود این تصور را هم به همراه دارد که مردمان آنجا دزدند.

حال سوال اینجا مطرح می شود که چگونه این اقتران اکید در ذهن ایجاد میشود؟ جواب این سوال این است که ابتدا بین لفظ و معنا در خارج از ذهن انسان مقارنتی شکل می گیرد بعد از آن این مقارنت به ذهن منتقل می شود این مقارنت ذهنی اگر در ظرف موثر رخ داده باشد در ذهن مقارنتی اکید بین این دو تصور شکل می گیرد اما اگر در ظرف موثر نباشد بعد از مقارنت اجمالی در ذهن با کثرت استعمال تبدیل به اقتران اکید در ذهن می شود چهار شاهد این مدعا این است که زمانی که شخصی فرزند خود را نام گذاری میکند تا مدتی اطرافیان برای استعمال این نام و فهم مراد کسی که از این نام استفاده می کند دچار مشکل هستند و نیاز به تامل و دقت بیشتری دارند اما بعد از مدتی این انتقال ذهنی به سرعت شکل میگیرد باید توجه داشت که برخی کلمات به صورت تلقائیه (خود به خود-همان وضع تعینی) و بدون عنایت و اعتبار با معنای خاص خود اقتران پیدا میکنند مثل کلمه "آه" که توسط کسی تلفظ شده است که دردی را احساس کرده است. در حالی که برای ابراز درد قبل از این هیچ لفظی شناخته نشده بود و این کلمه قبل از آن به عنوان دال برای این معنا در نظر گرفته نشده بود درباره ی کلماتی از قبیل آه شاید بتوان گفت که انسان قبل از این که زبانی را یاد بگیرد این نوع اقترانات در ذهن او وجود دارد و بین زبان های دیگر مشترک است ۵ چون بطور طبیعی این نوع





تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان

لغات برای انتقال این نوع مفاهیم از انسان صادر می‌شود. برخی از الفاظ هم در یک فرایند آگاهانه و با اراده مقارن هم می‌شوند (وضع تعینی) و این مقارنت تکرار می‌شود تا منجر به یک اقتران اکید شود. بهترین مثالی که میتوان برای آن آورد نام گذاری اشخاص است. به این صورت که شما نام فرزند خود را علی میگذارید تا بین این نام و فرزند علاقه لغوی ایجاد شود (یعنی نام او علی بشود و مردم او را با این نام بشناسند) این دو فرایند را با عنوان وضع می‌شناسند یعنی فرایندی که طی آن فرایند تصور لفظ با معنای خود مقترن می‌شود به نحوی که هر گاه یکی از آن دو نزد ذهن حاضر شود ذهن به دیگری منتقل می‌شود نقش اساسی در این فرایند را خود ذهن و همان قانون ذهن ایفا میکند و نام گذاری انسان در فرایند وضع صرفاً زمینه سازی و وسیله است و اگر منظور از وضع همان عامل انتقال ذهن از تصور لفظ به معناست پس باید گفت وضع قرن اکید بین تصور لفظ و معناست.

باید توجه شود که دو مبنای مشهور در وضع داریم اول مسلک اعتبار و دوم مسلک تعهد که مبنای سوم را شهید صدر به عنوان نوع دوم از مسلک اعتبار می‌گویند با این تعبیر که مسلک اعتبار صحیح است اما به این معنا که اعتباری که ما از آن سخن می‌گوییم (در احتمال دوم) صرفاً طریقی است که واضع از آن برای ایجاد قرن مخصوص بین لفظ و معنا استفاده می‌کند علاوه بر این آنچه که از مبنای شهید نتیجه گیری می‌شود این است که وضع (عامل انتقال ذهن از لفظ به معنا) صرفاً رابطه‌ی خاص بین صورت ذهنی لفظ و معناست غایت در آن تأثیری ندارد بر خلاف کلام برخی از علما مبنی بر دخیل بودن مقصود متکلم در وضع البته برخی بر این باورند که علت انتقال ذهن از لفظ به معنا خود وضع واضع است که باید به سوال پاسخ گفت آیا می‌تواند یک امر اعتباری علت امری حقیقی مثل انتقال ذهن از لفظ به معنا شود؟ و دیگر اینکه اگر علت انتقال این است پس چرا کسی که از این وضع آگاهی ندارد همانند غیر افراد زبان به این





تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان

معنا منقل نمی‌شوند؟ و یا حتی کسی که اهل همان زبان است هایی است که در این مجمل نمی‌گنجد «آن قلت و قلت» اما معنی لفظ را فراموش کرده است؟

۲. تأثیر مبنای شهید صدر بر دیگر مباحث اصول

۲-۱. دلالت تصویری و تصدیقی

یکی از مباحثی که در اصول در بحث الفاظ به آن می‌پردازند این است که آیا دلالت تابع اراده است یا خیر به بیان دیگر آیا دلالت وضعیه یعنی دلالتی که ناشی از وضع است دلالت تصویری است یا دلالت تصدیقیه با توجه به مبنای شهید صدر و همانطور که قبلاً اشاره شد در انتقال ذهن از لفظ به معنا هیچ عاملی به جز اقتران اکید بین لفظ و معنا در ذهن تاثیری ندارد در نتیجه باید گفت دلالت تابع اراده نیست بلکه صرف شنیدن لفظ خواه از منبع دارای اراده باشد و یا از منبع بدون اراده منجر به انتقال ذهن از لفظ به معنا می‌شود که این همان دلالت وضعیه است لذا دلالت وضعیه همان دلالت تصویری است و یا به تعبیر دیگر دلالت تابع اراده نیست دلیل این امر این است که عامل انتقال ذهن از لفظ به معنا قرن اکید بین صورت لفظ و معنا است یعنی صرف حاضر شدن صورت ذهنی لفظ در ذهن معنای آن هم در ذهن حاضر می‌شود و این امر بدون اراده هم محقق می‌شود حال آنکه برخی بر این باورند که وضع برای تفهیم و تفاهم صورت می‌گیرد و اراده و غایت را در تعریف وضع دخیل می‌دانند.

شاید بتوان گفت نزاع لفظی است و اگر لفظی از منبع صوتی که اراده ندارد صادر شود از آنجایی که اراده ندارد پس دلالت وضعیه رخ نداده است بلکه صرفاً تداعی معانی است علاوه بر این سوال دیگری که وجود دارد این است که آیا میتوان در معنی





تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان

موضوع له لفظ اراده ، اخذ شده باشد و در آن صورت دلالت تابع اراده باشد که باز این مطلب بنا بر نظر و مبنای شهید صدر ممتنع است.

۲-۲. واضع

با توجه به مبنای شهید صدر نقش واضع در فرایند وضع صرفاً زمینه سازی می‌باشد و این زمینه سازی در شرایط امروز توسط خود انسان صورت می‌گیرد (یعنی وضع الفاظ جدید) اما درباره‌ی اینکه قبل از اینکه زبان در بین مردم باشد و انسان از زبان استفاده کند چه کسی زبان را در اختیار مردم قرار داد و الفاظ را وضع کرد که هم احتمال دارد خداوند واضع باشد و هم احتمال دارد انسان واضع باشد و این نظر خود شهید صدر هم می‌باشد.

۲-۳. استعمال و استعمال مجازی

استخدام لفظ به قصد اخطار و احضار معنی آن در ذهن سامع را استعمال می‌گویند به این صورت که شخص لفظی را ایجاد می‌کند تا ذهن شنونده برای انتقال به معنای موضوع له لفظ آماده شود زیرا زمانی که شخصی لفظی را می‌شنود تصور آن در ذهن او حاضر می‌شود و به دلیل وجود قرن اکیدی که بین این لفظ و معنای آن است ذهن سامع به طور غیر ارادی به معنای آن منتقل می‌شود با این وجود لفظ را مستعمل و معنا را مستعمل فیه می‌گویند و اراده مستعمل بر اخطار معنی در ذهن سامع از طریق لفظ را اراده استعمالیه می‌گویند در استعمال دو حالت وجود دارد یکی اینکه ما لفظ را برای انتقال ذهن مخاطب به معنای موضوع له لفظ استعمال کنیم و دیگر اینکه ما لفظ را برای انتقال ذهن مخاطب به معنای غیر ماوضع له استعمال کنیم که تناسبی با معنای اصلی داشته باشد (البته فرض دیگری هم دارد که استعمال لفظ در معنای غیر ماوضع له است





تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان

که هیچ تناسبی با معنا موضوع له ندارد که این استعمال غلط است و منجر به انتقال ذهن نمی‌شود) هر دو این استعمال صحیح است بدین معنا که در صورت استعمال ذهن مخاطب به معنای مراد متکلم منتقل می‌شود و بالوجدان می‌یابیم که در خارج استعمال هم می‌شود با این وجود باید اصولی، مبنای خود را در بحث وضع با این واقعیت خارجی هم تطبیق دهد زیرا شخص در بحث وضع ادعا میکند که وضع عامل انتقال ذهن از لفظ به معنا است در حالی که ما مواردی مشاهده کرده ایم که ذهن مخاطب به معنایی منتقل شده است که بین آن معنا و لفظ وضعی صورت نگرفته است.

مرحوم شهید صدر برای توجیه و تطبیق این نوع موارد از استعمال می‌فرمایند: ما برای انتقال ذهن به یک معنایی و صحت استعمال لفظ در معنایی به دو رکن نیاز داریم اول صلاحیت انتقال ذهن و دوم اینکه دلالت لفظ بر آن معنا فعلیت داشته باشد.

با توجه به مبنای شهید صدر انتقال ذهن از یک تصویری به تصویری دیگر با این شرط امکان و صلاحیت دارد که بین این دو تصور اقتران اکید وجود داشته باشد که این شرایط در معنای مجازی یک لفظ هم وجود دارد به این نحو که لفظ با معنای موضوع له اقتران اکید دارد و معنای موضوع له با معنای مجازی اقتران اکید دارد (با توجه به اینکه بین این دو معنا تناسب و شباهت وجود دارد) این صلاحیت و صحت استعمال لفظ در معنای غیر ما وضع له است اما درباره‌ی اینکه آیا همیشه میتوان لفظ را در معنای مجازی استعمال کرد و یا شرایطی دارد، این مطلب برمیگردد به فعلیت دلالت لفظ بر معنا که این شرط هم با استفاده از قرینه مناسب محقق می‌شود.

با توجه به آنچه که درباره‌ی استعمال مجازی گفته شد این مطلب قابل طرح است که گاهی اوقات معنای مجازی به معنای حقیقی تبدیل می‌شود به این نحو که لفظ به قدری در معنای مجازی استعمال می‌شود که بر اساس قانون ذهن بشری بین آن معنا و لفظ اقتران اکید شکل می‌گیرد که تبدیل می‌شود به معنی موضوع له به وضع تعینی و از آن زمان به بعد دیگر نیازی به قرینه در استعمال این معنا نداریم.





تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان

۴-۲. علامات حقیقت و مجاز

سوالی که در این شرایط به وجود می‌آید این است که چگونه میتوان معنای حقیقی را از معنا مجازی تفکیک کرد و شناخت این بحث با عنوان علامات حقیقت و مجاز مطرح می‌شود با توجه به تعریف وضع در نظر شهید صدر و ویژگی معنای مجازی و استعمال آن که بایستی لفظ را در معنای مجازی همراه با قرینه استعمال کرد تا ذهن مخاطب به معنای مجازی آن انتقال یابد میتوان چنین نتیجه گیری کرد که آن معنایی که در مواجهه با لفظ بدون قرینه سریع تر از معانی دیگر به ذهن خطور می‌کند آن معنای حقیقی است و معنای دیگری که صحت استعمال دارد اما مشروط به استفاده از قرینه است را معنای مجازی بگوییم این راه در تشخیص معنای حقیقی را تبادر می‌نامند راه های دیگری برای تشخیص معنای حقیقی و تفکیک آن از معنای مجازی ارائه شده است که شهید صدر به آنها اشکال بنایی وارد می‌کنند.



۵-۲. مترادف و اشتراک

با توجه به مبنای شهید صدر در باب وضع هیچ اشکالی ندارد که یک لفظ دو معنای موضوع له داشته باشد (اشتراک) و یا دو لفظ معنای موضوع له واحد داشته باشند (ترادف) به این نحو که در ذهن امکان دارد که یک تصور با دو تصور دیگر اقتران اکید داشته باشد که این موضوع هم امکان ترادف را توجیه میکند هم امکان اشتراک را - درباره ی صحت استعمال باید گفت منظور ما قابلیت انتقال ذهن از شنیدن لفظ به معنای آن است.

۲-۶. اقسام وضع





تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان

یکی دیگر از مباحثی که اصولی بعد از آنی که مبنای خود را در وضع تعیین کرد باید به بررسی آن پردازد تعریف وضع در اقسام متفاوت الفاظ است که اقسام متفاوت وضع را در پی دارد به این نحو که چون وضع (با توجه به مبنای شهید) یک فرایند ناظر به رابطه‌ی دو تصور در ذهن است و منجر به قرن اکید بین این دو تصور می‌شود باید لفظ و معنای موضوع له قبل از وضع تصور شوند با این توضیح وضع به اعتبار اینکه معنای اولیه با معنایی که در نهایت لفظ بر آن وضع شده است چه رابطه‌ای دارد به چهار قسم تقسیم می‌شود:

الف. معنای متصور اولیه همان معنای موضوع له باشد و کلی و عام باشد: وضع عام، موضوع له عام

ب. معنای متصور اولیه همان معنای موضوع له باشد و جرئی و خاص باشد: وضع خاص، موضوع له خاص

ج. معنای متصور اولیه اعم از معنای موضوع له باشد: وضع عام، موضوع له خاص

د. معنای متصور اولیه اخص از معنای موضوع له باشد: وضع خاص، موضوع له عام

مبنای شهید صدر درباره‌ی امکان و وقوع این اقسام هیچ تأثیر خاص و جدای از مبانی دیگر نمی‌گذارد و نظر شهید به این صورت است که قسم چهارم از اقسام وضع محال است و قسم سوم امکان ذاتی دارد که درباره‌ی اینکه آیا واقع شده است یا نه به این نحو بحث می‌شود که معانی حرفی آیا مصادیق این قسمند یا خیر که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۲-۷. معنای حرفی





تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان

یکی از سوالاتی که در باب اقسام وضع پیش می آید این است که حروف که از اقسام الفاظ هستند در کدام یک از اقسام وضع جای می گیرند اهمیت این سوال آنجایی مشخص می شود که اگر ما قائل به امتناع یکی از این اقسام شویم و حروف معنای حرفی جزء همان دسته باشند نقصی است بر نظریه ما در باب وضع نظر شهید صدر در باب معنای حرفی وضع عام موضوع له خاص است و معنای خاص هم به معنی غیر قابل صدق بر کثیرین نیست بلکه بدین معنی است که توسط طرفین تشخیص پیدا کرده است نه به لحاظ انطباق بر خارج در باب معنای حرفی شهید سه نظر معروف در معنای حرفی را بیان می کنند و در باب هر کدام می فرمایند:

الف. معنای حرفی همانند علامات اعراب است که ایشان این نظر را رد می کنند اما می فرمایند بر مبنای مشهور این نظر را میتوان توجیه کرد هر چند امکان دارد بگویند خلاف وجدان است

ب. نظر مرحوم آخوند: ایشان در جواب به اشکال اول به مرحوم آخوند توسط مرحوم محقق اصفهانی تصریح می فرمایند که معنی حرفی به غیر از لحاظ آلی حالت دیگری فرض ندارد به این معنا که نمی توان گفت موضوع له اسم و حرف یکی است و ایشان نظر مرحوم آخوند را قبول ندارند.

ج. نظر سوم (بین معنای حرفی و اسمی فرق جوهری وجود دارد و متباینند): شهید این نظر را قبول دارند اما با توضیح خود و تفصیل خود.

بحثی که مرحوم شهید صدر در اینجا ارائه می دهند بنایی است تا مبنایی. البته اختلاف بین علما در معنای حرفی محصور است بین قسم سوم و دوم که مرحوم شهید صدر قائل به امکان قسم چهارم هم هست به خلاف برخی از علما و مبنای ایشان در باب تعریف وضع در اینجا هیچ نقضی ندارد.





تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان



پرتال علمی - اطلاع رسانی عالی





تأثیر مبنای شهید صدر در باب وضع بر دیگر نظرات اصولی ایشان

نتیجه گیری

اگر لفظی از منبع صوتی که اراده ندارد صادر شود از آنجایی که اراده ندارد پس دلالت وضعیه رخ نداده است بلکه صرفاً تداعی معانی است علاوه بر این سوال دیگری که وجود دارد این است که آیا میتوان در معنی موضوع له لفظ اراده، اخذ شده باشد و در آن صورت دلالت تابع اراده باشد که باز این مطلب بنا بر نظر و مبنای شهید صدر ممتنع است. با توجه به آنچه که درباره ی استعمال مجازی گفته شد این مطلب قابل طرح است که گاهی اوقات معنای مجازی به معنای حقیقی تبدیل می شود به این نحو که لفظ به قدری در معنای مجازی استعمال می شود که بر اساس قانون ذهن بشری بین آن معنا و لفظ اقتران اکید شکل می گیرد که تبدیل می شود به معنی موضوع له به وضع تعینی و از آن زمان به بعد دیگر نیازی به قرینه در استعمال این معنا نداریم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





تأثير مبنای شهيد صدر در باب وضع بر ديگر نظرات اصولی ايشان

منابع

اصول الفقه، مظفر، محمد رضا، (طبع انتشارات اسلامي) - قم، چاپ: پنجم، ۱۴۳۰ ق
الحلقه الثالثه أسئلة وأجوبة (مطر) القسم / ۱ السيد علي مطر الهاشمي / چاپ / ۱ نشر
المؤلف ۱۴۱۸ / ۵

دروس في علم الأصول، (موسوعة الشهيد الصدر ج ۶) الإمام محمد باقر الصدر / چاپ
۱ / مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر / ۱۴۲۱ هـ

شرح الحلقه الثالثه (طالب، ط) ۱ ج / ۱ الشيخ ناجي طالب العاملي / دار الهدان الميامين
۱۴۹۱ هـ ق

كفاية الاصول ، خراساني، محمد كاظم، كنگره

مباحث الأصول (الحائري) القسم ۱ ج / ۱ الإمام محمد باقر الصدر، تقرير السيد كاظم
الحائري / چاپ / ۱ دار البشير ۱۴۹۸ / ۵

المنطق ، مرحوم مظفر ، انتشارات دارالتفسير (اسماعيليان)، چاپ سوم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

